جمهوری اسلامی ایران
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پانزدهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

همگرایی و پیشرفت

۲۰

۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵

کشت فراسرزمینی: ظرفیتی برای تقویت همگرایی منطقه‌ای ایران

سارا جلوداریان[1]*، علیرضا طلایی[2]، سیدحمید ظفری‌نیا[3]

۱. پژوهشگر علمی، معاونت امور باغبانی، وزارت جهاد کشاورزی

۲. گروه علوم باغبانی، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران

۳. دانشجوی دکتری، گروه علوم باغبانی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

کشت فراسرزمینی یا کشت فرامرزی، به عمل کشت محصولات در کشوری دیگر و واردات بازده حاصل از آن به کشور مبدأ اشاره دارد. کشورهای مبدأ، سرزمین‌هایی هستند که علاقه‌ای به تولید این محصولات خاص در آن‌ها وجود ندارد، اما شرایط تولید در آن‌ها مطلوب است. توجه جهانی به این نوع کشت، حدود یک دهه پیش، هم‌زمان با افزایش قیمت محصولات کشاورزی، افزایش یافت. اهداف کشورها از کشت فراسرزمینی متفاوت است. این اهداف می‌تواند شامل تأمین بخشی از امنیت غذایی کشور سرمایه‌گذار، تأمین انرژی از طریق تولید سوخت‌های زیستی، تولید در کشور مقصد برای صادرات کشاورزی یا ترکیبی از موارد فوق باشد. کشت فراسرزمینی می‌تواند به‌عنوان یک اهرم قدرتمند برای همگرایی منطقه‌ای بین ایران و کشورهای همسایه، نقش "دیپلماسی کشاورزی" را ایفا کند. کشورها با سرمایه‌گذاری مشترک در سرزمین‌های کشاورزی کشورهای همسایه، می‌توانند از طریق ایجاد زنجیره‌های تأمین غذای به‌هم‌پیوسته، وابستگی متقابل و منافع اقتصادی مشترک ایجاد کنند. این رویکرد نه‌تنها با کاهش هزینه‌های تولید و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقلیمی متفاوت، امنیت غذایی منطقه‌ای را تضمین می‌کند بلکه با ایجاد پروژه‌های زیرساختی مشترک و تبادل دانش فنی، روابط سیاسی و اقتصادی را تقویت کرده و از طریق ایجاد یک بازار واحد یا همکاری‌های کشاورزی، ثبات و صلح را در سطح منطقه‌ای افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه تاکنون اطلاعات جامعی در مورد کشت فراسرزمینی ایران وجود نداشته، پژوهش حاضر با هدف کاربردی بررسی کشت فراسرزمینی به‌عنوان پتانسیلی مناسب برای ایجاد همگرایی بین ایران و کشورهای همسایه انجام شد. ابزارهای تحقیق شامل اسناد، مقالات علمی و سوابق کتابخانه‌ای بود.

واژه‌های کلیدی: امنیت غذایی، کشاورزی پایدار، سرمایه‌گذاری خارجی، مدیریت استراتژیک، بازیگران فراسرزمینی

مقدمه

کشاورزی سنگ بنای امنیت غذایی و رشد اقتصادی کشورهاست (Wheeler and Kay, 2011). بر اساس گزارش بحران جهانی غذا در سال ۲۰۲۴، در سال ۲۰۲۳، نزدیک به ۲۸۲ میلیون نفر در ۵۹ کشور و منطقه با گرسنگی شدید ناگهانی مواجه خواهند شد که ۲۴ میلیون نفر بیشتر از سال ۲۰۲۲ است. این گزارش نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۷، ناامنی غذایی جهانی همچنان در حال افزایش بوده و به یک روند نگران‌کننده تبدیل‌شده است. عوامل خارجی مانند درگیری‌های سیاسی، تغییرات اقلیمی و نوسانات اقتصادی جهانی، و همچنین عوامل داخلی مانند سطح توسعه اقتصادی، موهبت‌های طبیعی، سطوح علمی و فناوری، و محیط اجتماعی، امنیت غذایی را محدود می‌کنند. دستیابی به نیازهای غذایی مردم در یک دوره زمانی کوتاه، تنها با تکیه‌بر تولید غذای داخلی برای یک دولت غیرممکن است (Lu et al., 2018). با شتاب گرفتن رشد جمعیت جهانی، تضاد بین عرضه و تقاضای منابع زمین و آب به‌طور فزاینده‌ای برجسته شده و تضاد بین عرضه و تقاضای غذا را تشدید کرده است. طبق سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، با سطح مصرف فعلی برای تأمین نیازهای رشد جمعیت و توسعه اقتصادی در سال ۲۰۵۰، تقاضای جهانی برای زمین‌های زراعی از ۱.۵۶۷ میلیارد هکتار در سال ۲۰۱۲ به ۱.۷۳۲ میلیارد هکتار افزایش خواهد یافت (FAO, 2018). در این زمینه، کشورهایی که وابستگی غذایی بالایی به خارج دارند، موهبت منابع کشاورزی داخلی ضعیفی دارند، و زمین‌های زراعی کمیاب دارند، و همچنین کشورهایی که تضادهای جمعیتی، منابع و محیط زیستی برجسته‌ای دارند، علاوه بر تقویت توسعه کشاورزی داخلی و بهبود بهره‌وری زمین برای افزایش عرضه غذا، از طریق سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از زمین‌های زراعی فرامرزی، انتقال فعالیت‌های تولید محصولات غذایی به خارج از کشور، گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر برای دستیابی به عرضه غذای داخلی است (Wang et al., 2025; Han et al., 2018). بیش از ۸۵ درصد از منابع آبی کشور صرف بخش کشاورزی می‌شود و کمبود منابع آبی در سال‌های آینده تأثیر غیرقابل‌انکاری بر بخش کشاورزی خواهد داشت. به همین دلیل، کشت فراسرزمینی که درواقع بهره‌برداری از منابع، عوامل، ظرفیت‌ها و تسهیلات کشورهای دیگر برای تولید محصولات کشاورزی موردنیاز به‌منظور حفظ منابع پایه تولید و بهبود امنیت غذایی و سایر نیازهای صنعتی کشور است، می‌تواند یک استراتژی بسیار مناسب برای مقابله با اثرات بحران خشکسالی بر بخش کشاورزی کشور باشد. در این طرح، سرمایه‌گذار در قالب یک مأموریت مشخص به کشور مقصد که دارای آب‌وهوای، خاک و شرایط جوی مناسب برای کشت موردنظر است، اعزام‌شده و محصول تولیدشده را برای تأمین نیازهای کشور وارد می‌کند (Shabannezhad, 2023; Rezaei and Rostami, 2024). الگوی رایج در همکاری‌های اخیر شامل سرمایه‌گذاری کشورهای «کم منابع اما غنی از سرمایه» (مانند چین، کره جنوبی، ژاپن و عربستان سعودی) در کشورهای غنی از منابع اما فقیر ازنظر سرمایه مانند کشورهای جنوب صحرای آفریقا است (Roman and Okada, 2015; Ansari, 2014; Obeng Odoom, 2013; Ji et al., 2017). تولید محصولات کشاورزی در ایران به‌عنوان کشوری درحال‌توسعه با جمعیت رو به رشد ۷۸ میلیون نفری، به دلیل اقلیم خشک و نیمه‌خشک و محدودیت منابع آبی، روزبه‌روز دشوارتر شده است. درنتیجه، کشت محصولات آب‌بر دیگر ازنظر اقتصادی توجیه‌پذیر نیست. پیش‌بینی می‌شود که ایران تا سال ۲۰۲۵ با بحران شدید آبی مواجه شود (Arab et al., 2016; Khaledi et al., 2014; Nasr Esfahani, 2014; Ministry of Agriculture, 2017). علاوه بر این، حل معضل جهانی «عدم انطباق جمعیت و زمین» از طریق سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی کشاورزی، به یکی از ویژگی‌های مهم توسعه در حوزه کشاورزی در فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد تبدیل‌شده است (Zoomers et al., 2017). بهره‌برداری کامل از منابع زمین‌های زراعی خارج از کشور، به‌تدریج به ابزاری مهم برای برخی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی جهت افزایش عرضه جهانی محصولات کشاورزی و تضمین امنیت غذایی خود تبدیل‌شده است (Jing et al., 2021). بنابراین، درک عمیق از وضعیت فعلی سرمایه‌گذاری ایران در زمین‌های زراعی خارج از کشور و داشتن نگاهی کلان به پراکندگی کنونی منابع زمین‌های کشاورزی در جهان، از مسائل مهمی است که ایران باید در تدوین استراتژی‌های غذایی و پیشبرد ساختار «الگوی نوین توسعه با محوریت چرخه‌های داخلی و خارجی که یکدیگر را تقویت می‌کنند»، مدنظر قرار دهد.

این پژوهش می‌تواند زمینه ارائه راهکارهایی برای بهبود پروژه‌های سرمایه‌گذاری در زمین‌های کشاورزی خارج از کشور و کاهش مخاطرات آن‌ها را فراهم آورد. همچنین، این مطالعه از ارزش عملیاتی برای سرمایه‌گذاران ایرانی به‌منظور اجرای علمی سرمایه‌گذاری‌های برون‌مرزی و صیانت از امنیت غذایی منطقه‌ای برخوردار است.

روش تحقیق

این تحقیق با بررسی مقالات و سایت های معتبر در زمینه کشت فراسرزمینی در بستر اینترنت مانند گزارش های بانک جهانی، وزارت جهاد کشاورزی ج ا ایران، وزارت کشاورزی ایالات متحده آمریکا، سازمان خواروبار جهانی و سایر منابع معتبر علمی صورت گرفته است.

نتایج و بحث

مزایای کشت فراسرزمینی:

الف) **امنیت غذایی پایدار**

ب) **کاهش فشار بر منابع طبیعی داخلی**

ج) **دسترسی به فناوری و تجهیزات مدرن کشاورزی**

د) **مزایای اقتصادی و کاهش هزینه‌ها**

چالش‌های کشت فراسرزمینی:

الف) **ریسک‌های ژئوپلیتیکی و سیاست‌های داخلی کشور میزبان**

ب) **محدودیت‌های مالکیت زمین**

ج) **هزینه‌های حمل‌ونقل و لجستیک**

د) **مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی**

نمونه‌هایی از کشت فراسرزمینی از کشورهای سراسر جهان:

چین

چین با جمعیت زیاد و منابع طبیعی محدود، پیشگام سرمایه‌گذاری در کشت فراسرزمینی است. این کشور برای تأمین پایدار منابع غذایی خود، زمین‌های کشاورزی را در آفریقا، آسیای جنوبی و آمریکای لاتین خریداری و اجاره کرده است. چین مزارع وسیعی را در کشورهای آفریقایی مانند اتیوپی و سودان برای تولید محصولاتی چون ذرت، سویا و نیشکر اجاره کرده است. از این طریق، چین توانسته است فشار بر منابع آب و خاک داخلی خود را کاهش دهد و همزمان نیازهای کشاورزی خود را با هزینه کمتر تأمین کند. این اقدام نه تنها به تثبیت قیمت مواد غذایی در چین کمک کرده، بلکه امنیت غذایی کشور را نیز افزایش داده است. به‌طور کلی، سرمایه‌گذاری مزارع فراسرزمینی چین عمدتاً در آفریقا، جنوب شرق آسیا، آمریکای جنوبی و سایر کشورها متمرکز شده است (Tang et al., 2017; Giovannetti and Ticci, 2016).

عربستان سعودی

کشاورزی برون‌مرزی عربستان سعودی (کشت برون‌سپاری‌شده یا کشاورزی فراملی) از اواخر دهه ۲۰۰۰ به‌طور چشمگیری گسترش یافته است. این روند عمدتاً ناشی از نیاز پادشاهی به تضمین امنیت غذایی بلندمدت، در حالی است که می‌خواهد مصرف آب داخلی را که بر اثر کشاورزی فشرده افزایش یافته کاهش دهد. از طریق ابتکارهای دولتی–مهم‌ترین آن‌ها شرکت سرمایه‌گذاری کشاورزی و دامداری عربستان سعودی (SALIC)– سرمایه‌گذاران سعودی زمین‌های کشاورزی را در کشورهایی مانند سودان، اتیوپی، استرالیا و کانادا خریداری یا اجاره کرده‌اند و تمرکز خود را بر محصولاتی نظیر گندم، جو، برنج و همچنین محصولات دامی گذاشته‌اند. این پروژه‌ها با هدف تأمین و تثبیت منابع غذایی راهبردی برای عربستان سعودی انجام می‌شوند، اما در کشورهای میزبان بحث‌هایی را درباره «حاکمیت و مدیریت زمین»، امنیت غذایی محلی و نیز پیامدهای زیست‌محیطی به دنبال داشته‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که راهبرد عربستان سعودی بازتاب روندهای گسترده‌تر در منطقه خلیج فارس در چارچوب «تملک زمین‌های کشاورزی برای امنیت غذایی» پس از بحران جهانی قیمت‌های مواد غذایی در سال‌های ۲۰۰۷–۲۰۰۸ است (Woertz, 2015; SALIC, 2020 – 2024 ; Keulertz and Woertz, 2015).

ایالات متحده آمریکا

فعالیت‌های کشاورزی برون‌مرزی آمریکا عمدتاً توسط گسترش راهبردی جهانی شرکت‌های چندملیتی کشاورزیِ آمریکایی هدایت می‌شود، نه توسط عملیات مستقیم کشاورزی دولتی. این شرکت‌ها از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، زمین و «پایگاه‌های عملیاتی» را در اقلیم‌های مناسب –به‌ویژه در آمریکای جنوبی و جنوب‌شرق آسیا– به دست می‌آورند تا تاب‌آوری زنجیره تأمین و بهینه‌سازی هزینه‌ها را برای کالاهایی که به‌طور رقابتی در داخل آمریکا قابل کشت نیستند تضمین کنند. این رویکرد «برون‌مرزی» از فناوری کشاورزی پیشرفته آمریکا (AgTech) بهره می‌گیرد؛ از جمله بذرهای اصلاح‌شده ژنتیکی و لجستیک کشاورزی مبتنی بر کشاورزی دقیق. در نتیجه، تولیدات خارجی به‌طور مؤثر در «سیستم غذایی جهانیِ گسترده‌تر با نفوذ آمریکا» ادغام می‌شوند تا نیاز مصرف‌کنندگان به غذا در طول سال پاسخ داده شود (USDA Economic Research Service, 2024; OECD 2023). محصولات اصلی حاصل از این سرمایه‌گذاری‌های جهانی شامل کالاهای صنعتی پرتقاضا مانند سویا، ذرت و پنبه است؛ همچنین در کنار آن محصولات گرمسیریِ تخصصی مانند قهوه، کاکائو و انواع میوه‌ها نیز تولید می‌شوند. فراتر از تولید اولیه محصولات، بخش قابل توجهی از این فعالیت‌ها شامل صادرات نهاده‌های تخصصی بیوتکنولوژیک و تخصص مدیریتی است؛ به این ترتیب شرکت‌های آمریکایی می‌توانند عملیات‌های بزرگ را در سطح بین‌المللی مدیریت و نظارت کنند. با اینکه این راهبرد، دسترسی جهانی به غذا را افزایش می‌دهد و ریسک‌های مربوط به کمبودهای فصلی را کاهش می‌دهد، همچنان موضوع بحث‌های علمی و سیاستیِ مداوم است؛ به‌خصوص درباره پیامدهای تملک زمین در مقیاس بزرگ بر حاکمیت غذایی محلی و پایداری زیست‌محیطی در کشورهای میزبان (IFPRI, 2023؛ World Bank, 2024).

امارات متحده عربی

امارات متحده عربی به‌عنوان بخشی از راهبرد بلندمدت امنیت غذایی خود، به‌ویژه پس از بحران جهانی قیمت مواد غذایی در سال‌های ۲۰۰۷- ۲۰۰۸، به‌طور فعال سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی فراسرزمینی را دنبال کرده است. امارات به دلیل اقلیم خشک، زمین‌های زراعی محدود و کمبود شدید آب، به خرید زمین‌های کشاورزی خارجی و مشارکت‌های استراتژیک در صنایع کشاورزی در کشورهایی مانند سودان، اتیوپی، صربستان، پاکستان و کامبوج تکیه کرده است. نهادهای بزرگ مرتبط با دولت، از جمله «الظاهره کشاورزی» (Al Dahra Agriculture) و ADQ، در تولید در مقیاس بزرگ گندم، برنج، علوفه و دام سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا زنجیره‌های عرضه پایداری را برای مصرف داخلی تضمین کنند. رویکرد امارات منعکس‌کننده راهبرد گسترده‌تر شورای همکاری خلیج فارس (GCC) مبنی بر برون‌سپاری تولید غذای نیازمندِ منابعِ زیاد برای کاهش محدودیت‌های زیست‌محیطی داخلی است (Woertz, 2013; Keulertz and Woertz, 2015; Al Dahra Annual Reports, 2022–2024). مهم‌ترین مزیت بالقوه کشاورزی فراسرزمینی ایران، توانایی آن در حمایت از توسعه کشاورزی و تضمین امنیت غذایی، به‌ویژه در شرایط خشکسالی است (Rezaei and Rostami, 2024). در ایران، به دلیل وضعیت منابع آب، فرسایش خاک و نیاز فزاینده به منابع غذایی، هیئت دولت در جلسه ۱ آوریل ۲۰۱۶، به پیشنهاد وزارت کشاورزی و با استناد به اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقررات کشت فراسرزمینی را تصویب کرد. به این منظور، هشت کشور آذربایجان، قزاقستان، اوکراین، روسیه، اندونزی، غنا، تانزانیا و برزیل به عنوان کشورهای سازگارتر با جامعه ایران انتخاب شدند. در این میان، قزاقستان توجه بسیاری از شرکت‌های خصوصی ایران را به خود جلب کرد. ظرفیت بالای کشاورزی قزاقستان، نقش محوری آن در اتحادیه اقتصادی اوراسیا (پس از روسیه) - اتحادیه‌ای که توافقنامه تجارت ترجیحی بین ایران و آن در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۹ اجرایی شد –، نزدیکی جغرافیایی به ایران، روابط سیاسی نزدیک با تهران و نقش وزارت کشاورزی ایران به عنوان رئیس کمیسیون اقتصادی مشترک دو کشور، از جمله عواملی بودند که این کشور را جذاب می‌کردند. در نتیجه، ده‌ها هزار هکتار در این کشور تحت کشت شرکت‌های ایرانی قرار گرفته است. امکان تکرار چنین پروژه‌هایی در کشورهای دیگری مانند ازبکستان و ترکمنستان برای کشور ما وجود دارد، که نیازمند برنامه‌ریزی جامع و هدفمند توسط نهادهای ایرانی، به‌ویژه وزارت امور خارجه و وزارت کشاورزی است (Koozegar, 2020). با در نظر گرفتن وضعیت سیاسی حاکم در کشور و مزایا و معایب این نوع کشت، سرمایه‌گذاری در کشت فراسرزمینی در قزاقستان، با توجه به مسائلی مانند اولویت‌بندی مناسب در تعیین کشور هدف، برنامه‌ریزی برای تعیین نرخ واردات مناسب، ایجاد وابستگی کشورهای هدف از طریق دیپلماسی قوی، اولویت‌بندی کالاها از نظر ماهیت استراتژیک و قابلیت کشت فراسرزمینی، و مدیریت واحد کشت فراسرزمینی، می‌تواند برای کشور مفید باشد (Ghaffari, 2016).

ما نحوه ایجاد «همگرایی» بین ایران و کشورهای همسایه را از چهار دیدگاه علمی بررسی خواهیم کرد:

۱. همگرایی زنجیره تامین و فناوری

توضیح: سرمایه‌گذاری ایران در کشاورزی کشورهای همسایه (مانند عراق، افغانستان یا آسیای مرکزی) منجر به انتقال استانداردهای تولید، بذر، سیستم‌های آبیاری مدرن و روش‌های مدیریت آفات به آن مناطق می‌شود.

اثر علمی: این انتقال فناوری، سطح دانش فنی و زیرساخت‌های کشاورزی در کشورهای همسایه را بهبود می‌بخشد. در نتیجه، شکاف فناوری بین ایران و همسایگانش کاهش یافته و یک "استاندارد مشترک" در منطقه شکل می‌گیرد که یکی از شاخص‌های اصلی همگرایی است.

۲. همگرایی اقتصادی و ادغام بازار منطقه‌ای

توضیح: کشاورزی فراسرزمینی شبکه‌ای از وابستگی متقابل ایجاد می‌کند.

ایجاد زنجیره ارزش مشترک: هنگامی که محصولات در کشوری همسایه تولید شده و در ایران فرآوری یا مصرف می‌شوند، مرزهای اقتصادی کمتر مشخص می‌شوند. این فرآیند به ایجاد "بازار واحد کشاورزی" در سطح منطقه‌ای منجر می‌شود.

کاهش ریسک و ثبات قیمت: با هم‌زمان شدن چرخه‌های تولید و عرضه در منطقه، نوسانات شدید قیمت در یک کشور می‌تواند توسط ظرفیت‌های تولیدی در کشوری دیگر تعدیل شود. این ثبات اقتصادی، زمینه را برای همگرایی ساختاری فراهم می‌کند.

۳. همگرایی زیست‌محیطی و مدیریت منابع مشترک

توضیح: کشاورزی در کشورهای همسایه، به‌ویژه در حوضه‌های آبریز مشترک، ایران را مجبور می‌کند تا در مدیریت منابع آب و خاک، دیدگاهی "منطقه‌ای" به جای ملی اتخاذ کند.

مدیریت یکپارچه: برای موفقیت سرمایه‌گذاری فرامرزی، مدل‌های مدیریت آب و خاک باید در دو سوی مرز مشابه و بهینه باشند. این امر منجر به توسعه پروتکل‌های زیست‌محیطی مشترک می‌شود که همگرایی را در مدیریت اکوسیستم‌های مرزی به طور علمی تثبیت می‌کند.

۴. همگرایی ژئوپلیتیک و امنیت غذایی

توضیح: از دیدگاه علوم سیاسی و اقتصاد سیاسی، امنیت غذایی می‌تواند یک بازی با مجموع-صفر مثبت (positive-sum game) باشد.

کاهش تنش‌ها: هنگامی که منافع اقتصادی از طریق کشاورزی در هم تنیده می‌شود، هزینه تنش‌های سیاسی برای هر دو طرف بسیار بالا می‌رود. در واقع، کشاورزی فراسرزمینی نوعی "دیپلماسی اقتصادی" است که باعث می‌شود کشورهای همسایه به جای صرفاً بستن قراردادها برای حفظ ثبات تولید، به سمت همکاری ساختاری حرکت کنند.

عوامل کلیدی موفقیت در تولیدات کشاورزی خارج از کشور:

برای دستیابی به تولیدات موفق کشاورزی در خارج از کشور، ایران باید از طرح‌های موردی به یک چارچوب استراتژیک ساختاریافته که اولویت آن حفاظت قانونی، ادغام لجستیکی و مدیریت پایدار منابع است، منتقل شود. عامل کلیدی موفقیت، ایجاد توافق‌نامه‌های قوی دولتی (G2G) است که مالکیت قانونی را تضمین کرده و سرمایه‌گذاری‌ها را از بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای میزبان محافظت کند. ایران باید کشورهایی با مازاد زمین و آب، مانند کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) یا کشورهای همسایه عضو CIS را در اولویت قرار دهد که مجاورت جغرافیایی و کریدورهای حمل‌ونقل موجود را ارائه می‌دهند. علاوه بر این، موفقیت به ادغام این سرمایه‌گذاری‌ها در یک زنجیره ارزش داخلی بستگی دارد که از فناوری‌های مدرن برای اطمینان از اینکه محصولات - مانند غلات، دانه‌های روغنی و خوراک دام - به طور مؤثر قیمت‌های بازار داخلی را تثبیت می‌کنند، نه اینکه صرفاً به عنوان یک بافر سفته‌بازانه عمل کنند (Kaviani, 2022; Moghadam et al., 2019; Ebrahimi and Kiani 2021).

برای حفظ بلندمدت این تلاش‌ها، ایران همچنین باید با ایجاد مدل‌های سود متقابل با جوامع محلی میزبان، به "مجوز اجتماعی برای فعالیت" (social license to operate) دست یابد. این بدان معناست که در زیرساخت‌های کشاورزی محلی سرمایه‌گذاری کرده، شغل ایجاد کند و انتقال فناوری را تسهیل نماید، که خطرات انتقادات مربوط به "زمین‌خواری" را کاهش داده و تداوم عرضه را در طول بحران‌های غذایی کشور میزبان تضمین می‌کند. علاوه بر این، ادغام سازوکارهای پیچیده پوشش ریسک - از جمله بیمه ریسک آب‌وهوایی و تنوع‌بخشی لجستیکی از طریق کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال–جنوب (INSTC) - برای غلبه بر چالش‌های فاصله و تغییرات محیطی حیاتی خواهد بود. با هم‌راستا کردن تولیدات خارج از کشور با تحقیق و توسعه کشاورزی محلی و چابکی بخش خصوصی، ایران می‌تواند این ابتکارات را از پروژه‌های پراکنده به یک رکن اصلی استراتژی امنیت غذایی ملی خود تبدیل کند (Kaviani, 2022; FAO/World Bank, 2020).

پیشنهادها

کشاورزی فراسرزمینی از طریق انتقال دانش، ادغام بازارهای مالی، مدیریت مشترک منابع طبیعی و امنیت غذایی منطقه‌ای، ایران و همسایگانش را قادر می‌سازد تا از حالت «جزیره‌ای» خود خارج شده و به سمت یک «سیستم یکپارچه اکولوژیکی-اقتصادی» حرکت کنند.

در نتیجه، می‌توان دریافت که کشاورزی فراسرزمینی چیزی بیش از یک فعالیت اقتصادی ساده است، بلکه عاملی محرک در ایجاد همگرایی‌های چندبعدی بین ایران و کشورهای همسایه است. از منظر فناوری و ساختاری، این مدل با انتقال دانش فنی، استانداردهای تولید و زیرساخت‌های کشاورزی مدرن به کشورهای میزبان، شکاف توسعه بین منطقه را کاهش می‌دهد و منجر به شکل‌گیری یک سیستم تولید همگرا و استاندارد می‌شود.

از سوی دیگر، این رویکرد با ایجاد زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و ادغام بازارهای کشاورزی، وابستگی متقابل اقتصادی و پایداری در عرضه و تقاضا را افزایش می‌دهد. این پیوند اقتصادی، در کنار لزوم مدیریت یکپارچه منابع طبیعی و حوضه‌های آبخیز مشترک، زیرساخت‌های لازم برای همکاری‌های اکولوژیکی و زیست‌محیطی را فراهم می‌کند که در حفظ تعادل اکولوژیکی منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است. در نهایت، با تبدیل امنیت غذایی از یک دغدغه ملی به یک هدف مشترک منطقه‌ای، کشاورزی فراسرزمینی نقش دیپلماسی اقتصادی را ایفا می‌کند و هزینه‌های تنش‌های ژئوپلیتیکی را افزایش می‌دهد. بنابراین، این مدل با ایجاد منافع متقابل، بستری برای گذار از روابط گذرا به همکاری‌های ساختاری و پایدار فراهم می‌کند و همگرایی بین ایران و همسایگانش را در لایه‌های سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی تثبیت می‌کند.

تقدیر و تشکر

نویسندگان از همه کسانی که در جمع‌آوری و ارائه اطلاعات لازم کمک کردند، سپاسگزاری می‌کنند.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که این تحقیق بدون هیچ‌گونه روابط تجاری یا مالی که بتواند به عنوان تضاد منافع بالقوه تلقی شود، انجام شده است

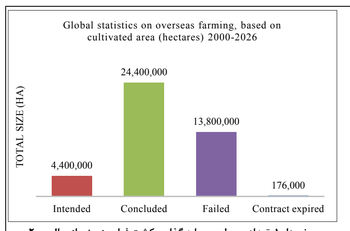

نمودار ۱: تعداد و سطح سرمایه گذاری کشت فراسرزمینی از سال ۲۰۰۰ تاکنون در دنیا https://landmatrix.org

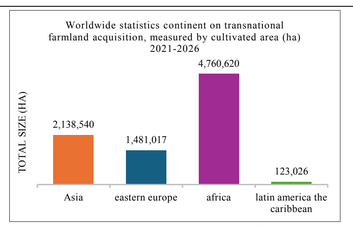

نمودار ۲: میزان سطح کشت فراسرزمینی در برخی قاره ها https://landmatrix.org

منابع

Al Dahra Agriculture. (2022–2024). Annual Reports. Available at: https://www.aldahra.com

Ansari, M. (2014). Animal breeders analytical monthly. Tehran: Green Economics Publishers.

Arab, M., Pournabi, N., and Abedi, A. (2016). An approach to save Iran from water crisis; Overseas cultivation. In Proceedings of the 9th Conference on Progress Pioneers. Tehran: Islamic Ir;anian Model of Progress.

Ebrahimi, A., and Kiani, S. (2021). Strategies for the development of overseas agriculture in Iran: A systemic approach. Journal of Agricultural Economics and Development.

Eckart Woertz (2013). Oil for Food: The Global Food Crisis and the Middle East. Oxford University Press.

FAO (2018). The future of food and agriculture: Alternative pathways to 2050. Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations, 1–228.

FAO/World Bank. (2020). Principles for Responsible Investment in Agriculture and Food Systems.

به مقاله اصلی مراجعه گردد...

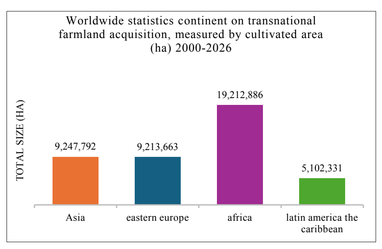

نمودار ۳: سطح سرمایه گذاری قاره ها در کشت فراسرزمینی از سال ۲۰۰۰ تاکنون https://landmatrix.org

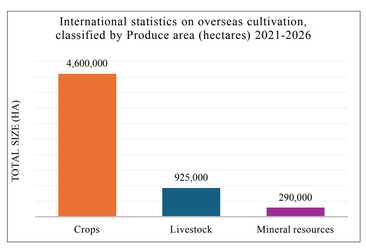

نمودار ۴: میزان کشت فراسرزمینی دنیا نوع بهره برداری از سال ۲۰۲۱ تاکنون براساس تعداد قرارداد و سطح آن https://landmatrix.org

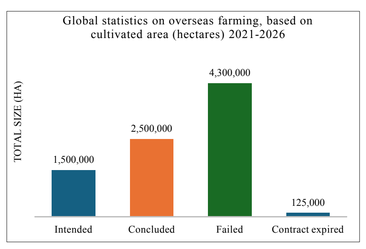

نمودار ۵: کشت فراسرزمینی دنیا از سال ۲۰۲۱ تاکنون براساس تعداد قرارداد و سطح آن https://landmatrix.org